





دانشگاه لرستان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه تاریخ

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته تاریخ

تشیع و شیعیان امامیه در ایران از سقوط خوارزمشاهیان تا تأسیس حکومت ایلخانی

استاد راهنما

دکتر محسن رحمتی

استاد مشاور

دکتر سیدعلاءالدین شاهرخی

نگارش

زینب بیرانوند

دی ۱۳۹۳

تقدیم به

پدر و مادرم

که از نگاهشان صلابت

از رفتارشان محبت

و از صبرشان ایستادگی را آموختم

با سپاس:

از استاد فرزانه و دلسوز؛ جناب آقای دکتر

محسن رحمتی و مشاور محترم جناب آقای دکتر سید

علاءالدین شاهرخی کمال تشکر و قدردانی را دارم.

باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

تشیع و شیعیان امامیه در ایران از سقوط خوارزمشاهیان تا تأسیس حکومت ایلخانی

چکیده

با سقوط حکومت شیعه مذهب آل بویه، نفوذ و آزادی شیعیان امامیه در ایران، برای مدت مدیدی از دست رفت. سلجوقیان به عنوان حامیان سنی خلافت عباسی با تشیع درگیر بودند؛ که این امر شیعیان را به تقیه واداشت. قدرت روز افزون سلاجقه، اقتدار سیاسی را در قلمرو اسلامی قبضه نمود. در اواخر سده‌ی ششم هجری، الناصر- لدین‌الله برای تجدید اقتدار خلافت عباسی، درگیر منازعات سیاسی با نهاد سلطنت گردید که با سقوط سلاطین سلجوقی توسط خوارزمشاهیان، این آشفتگی سیاسی به قوت خویش باقی ماند. با حمله‌ی مغول و به تبع تأسیس حکومت ایلخانی که با تساهل و تسامح مذهبی ایشان همراه بود، زمینه‌ی ترویج و گسترش دو چندان تشیع امامیه در این دوره، فراهم گردید. از آن جایی که هر رویدادی در بستر برخی عوامل شکل می‌گیرد، لذا این پژوهش درصدد است با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی عوامل مؤثر در گسترش تشیع امامیه در این دوره بپردازد. دستاوردی که از این تحقیق حاصل می‌گردد این است که خلیفه‌ی عباسی برای پشتیبانی حکومتی خویش، با حمایت از جنبش اجتماعی فتوت که دارای وجوه مشترک با تشیع بود؛ زمینه برای حضور شیعیان امامیه در کادر حکومتی خلافت عباسی را فراهم ساخت. این فضای تقریباً مساعد، مبنایی برای گسترش تشیع از جانب عالمان شیعی به عنوان مروّجان این مذهب گردید. عالمان شیعه که در عصر آل بویه به تدوین کتب عقیدتی خویش پرداخته بودند، در دورانی که آشفتگی سیاسی جامعه را تحت تأثیر خویش قرار داده بود؛ به انتشار میراث فرهنگی خویش روی آوردند. در نتیجه با استقرار مغولان و تأسیس حکومت ایلخانی، این عالمان شیعه با صدور فتاوی سیاسی مؤثر و منطبق با جامعه و همراهی با هیأت حاکمه، از جایگاه ارزشمندی در نزد ایشان، برخوردار گردیدند؛ که در این میان نقش خواجه نصیرالدین طوسی در نوع خود بی‌نظیر بود. وی به دلیل رویکرد متساهل خویش با اهل سنت به ویژه در کادر حکومتی و نفوذ در شخص سلطان، در جهت گسترش تشیع گام برداشت.

کلید واژه‌ها: ایران، خوارزمشاهیان، ایلخانان، خلافت عباسی، تشیع امامیه، فتوت

فهرست مطالب

۱	فصل اول: مقدمه و کلیات طرح تحقیق
۲	۱-۱- مقدمه
۴	۲-۱- بیان مسأله
۵	۳-۱- سؤالات تحقیق:
۵	۴-۱- فرضیات تحقیق:
۵	۵-۱- پیشینه‌ی تحقیق:
۷	۶-۱- ضرورت‌ها و اهداف تحقیق:
۷	۷-۱- روش تحقیق:
۷	۸-۱- نقد و بررسی منابع:
۱۲	فصل دوم: پراکندگی جغرافیایی تشیع
۱۵	۲-۱- تشیع در شهرهای ایران
۱۸	۲-۲- تشیع در قلمرو خلافت
۲۲	فصل سوم: آشتنگی سیاسی و تأثیر آن بر گسترش تشیع
۲۳	۳-۱- منازعه‌ی سیاسی خلافت و سلطنت
۲۵	۳-۱-۱- انقراض حکومت خوارزمشاهی
۳۰	۳-۲- ایران در عهد فترت
۳۲	۳-۳- حمله‌ی هولاکو و شکل‌گیری حکومت ایلخانی
۳۳	۳-۴- ایران در عهد هولاکو و آباقا
۳۶	فصل چهارم: خلافت عباسی و گسترش تشیع
۳۷	۴-۱- الناصر لدین الله (۶۲۲-۵۷۵ق)
۴۰	۴-۲- المستنصر بالله (۶۴۰-۶۲۳ق)
۴۱	۴-۳- المستعصم بالله (۶۵۶-۶۴۰ق)
۴۴	فصل پنجم: اوضاع شیعیان از حمله‌ی مغول تا پایان حکومت آباقا
۴۵	۵-۱- تشیع مقارن حمله‌ی مغول

۵-۲- تشیع در عهد فترت ۵۱

۵-۳- تشیع در عهد هولاکو و آباقا ۵۶

فصل ششم: علمای شیعه و گسترش تشیع ۶۰

۶-۱- علمای سده‌ی ششم و گسترش تشیع ۶۲

۶-۲- تأثیر باورهای عالمان شیعه درباره‌ی امام زمان(ع) ۶۷

۶-۳- علمای سده‌ی هفتم و گسترش تشیع ۷۱

فصل هفتم: فتوت و گسترش تشیع ۸۸

۷-۱- زمینه‌ی تعامل فتوت و تشیع ۸۹

نتیجه‌گیری: ۹۵

منابع و مأخذ ۹۷

فصل اول

مقدمه و کلیات طرح تحقیق

با رحلت پیامبر(ص) و برپایی سقیفه‌ی بنی ساعده، زمینه برای تشکیل خلافت اسلامی فراهم گردید. شیعیان امامیه با قائل شدن به امامت علی(ع)، در برابر چنین خلافتی به موضع‌گیری پرداختند. در چنین شرایطی وضعیت شیعیان در تقابل با خلافت، ارزیابی می‌گردید. انتقال خلافت به حاکمیت اهل سنت، فضای خفقان‌آوری برای شیعیان رقم زد. به این ترتیب تشیع از حضور در مناصب حکومتی و قدرت سیاسی کلان محروم گردید. در چنین شرایطی شیعیان با پیروی از امامان خویش به منظور حفظ حیات، به تقیّه متوسل شدند. به این ترتیب ایشان فعالیت‌های خویش را به صورت پنهانی پیش می‌بردند.

ضعف خلافت اموی و روی کار آمدن عباسیان با شعار الرضا من آل محمد(ص)، اوضاع شیعیان را با شدت و ضعف از جانب این خاندان روبه‌رو ساخت. خلفای متقدم عباسی در برابر شیعیان امامیه از سیاست ارباب بهره‌گرفتند. به‌رغم چنین سیاستی، در برخی ادوار خلفای عباسی با انتصاب وزرای شیعی و برگزاری مجالس مناظره که با حضور شیعیان امامیه صورت می‌پذیرفت، زمینه‌ی گسترش و ترویج تشیع را خواه ناخواه فراهم نمودند. بهره‌گیری شیعیان از تقیّه، به‌رغم برخی آزادی‌های نسبی تا زمان قدرت‌گیری آل بویه به طور جدی دنبال شد. با قدرت‌گیری آل بویه، فضای باز سیاسی و عقیدتی در پناه حمایت این خاندان برای شیعیان امامیه مهیا گردید. در واقع در این برهه‌ی زمانی اهرم گسترش دهنده‌ی تشیع، خاندان شیعه مذهب آل بویه محسوب می‌گردید. به این ترتیب دوره‌ی آل بویه وضعیت متفاوتی نسبت به ادوار گذشته برای شیعیان رقم زد؛ چرا که ظهور علمای برجسته، به تدوین منابع و مآخذ متعددی برای شناخت افکار و عقاید شیعیان منجر شد. آزادی شیعیان امامیه به دلیل ضعف و اختلافات داخلی آل بویه از بین رفت، اگر چه استحکام تشیع در دوره‌ی مذکور، به هیچ وجه شیعه را در عرصه‌ی اجتماع متوقف نساخت.

تشیع امامیه با ظهور سلجوقیان تحولات مختلفی از سر گذراند. این طایفه‌ی ترک نژاد، در شرایطی ظهور کردند که خلافت عباسی و مذهب رسمی تسنن در وضعیت نامطلوب سیاسی به سر می‌بردند. به این ترتیب سلاجقه توانستند بر بخش وسیعی از سرزمین‌های خلافت، مسلط گردند. سلجوقیان با اعتقاد به مذهب اهل سنت، زمینه‌ی احیای خلافت عباسی و تقویت اهل سنت را مهیا ساختند. این امر اوضاع نامساعدی برای شیعیان رقم زد؛ چرا که موج جدیدی از فشارهای سیاسی و اجتماعی بر جامعه‌ی تشیع آغاز گردید. سخت‌گیری سلاجقه، شیعیان امامیه را مجدداً به تقیّه واداشت. تعطیلی مدارس شیعه، عدم استفاده از علمای تشیع در مناصب حکومتی از جمله فعالیت‌های ضد شیعی سلاطین سلجوقی بود. در پی چنین سیاستی، گسترده‌ترین اقدامات این خاندان علیه تشیع، تأسیس مدارس نظامیه در جهت تقویت مذهب تسنن بود. تسلط سلجوقیان بر بخش وسیعی از قلمرو خلافت، این

دو نهاد را به منازعات سیاسی کشاند که با دخالت خوارزمشاهیان به انقراض حکومت سلجوقی انجامید. در نتیجه درگیری مذکور به خاندان خوارزمشاهی منتقل گردید و تا پایان این حکومت به قوت خویش پابرجا ماند. در چنین شرایطی شیعیان امامیه با بهره‌گیری از فرصت به دست آمده به ترویج اعتقادات خویش پرداختند. با حمله‌ی مغول و تأسیس حکومت ایلخانی، روند روبه‌رشد تشیع امامیه، وسعتی بی‌نظیر یافت. از این رو پرداختن به عوامل مؤثری که چنین مسیری را برای شیعیان رقم زده، از اهمیت فراوانی برخوردار است. تلاش در جهت تبیین اهمیت علل و عوامل گسترش تشیع، بررسی و تبیین عملکرد خلافت عباسی و عالمان شیعه در گسترش تشیع در این دوره، از جمله علل انتخاب موضوع بوده است.

پژوهش حاضر در هفت فصل تنظیم شده است. فصل اول مقدمه و کلیات طرح تحقیق و نقد و بررسی منابع را در بر گرفته است. فصل دوم با عنوان «پراکنندگی جغرافیایی تشیع»، شهرهای شیعه‌نشین در سرزمین ایران و قلمرو خلافت عباسی که رابطه‌ی متقابلی با هم دارند را مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل سوم به طور کلی تأثیر آشفتگی سیاسی برگسترش تشیع را مدنظر قرار داده است؛ چرا که سنگ بنای اشاعه‌ی تشیع در این دوره، منازعات سیاسی بوده است. فصل چهارم به تأثیر خلافت عباسی و اقدامات این نهاد سنی در راه ترویج تشیع اشاره نموده است. در فصل پنجم تحت عنوان «اوضاع شیعیان از حمله‌ی مغول تا پایان حکومت آباقا» به جایگاه شیعیان امامیه و زمینه‌های توجه به این فرقه‌ی مذهبی از جانب هیأت حاکمه پرداخته است. در فصل ششم نقش عالمان شیعه بررسی گردیده و فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی آن‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است. در فصل هفتم نیز به جایگاه فتوت پرداخته می‌شود و زمینه‌ی تعامل این مسلک با تشیع، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در آخر نیز نتیجه‌گیری و به دنبال آن فهرست منابعی که در انجام تحقیق از آن‌ها استفاده شده، آمده است.

۲-۱- بیان مسأله

شیعیان امامیه قائل به امامت و جانشینی بلافصل علی (ع) بعد از پیامبر (ص) و سپس فرزندان او بودند. سقیفه‌ی بنی-ساعده و موضع‌گیری شیعیان در قبال امامت، باعث رویارویی ایشان با خلافت گردید. انتقال خلافت اسلامی به خاندان اموی، فضای خفقان‌آوری را برای شیعیان رقم زد که با تضعیف امویان و روی کار آمدن عباسیان این وضعیت به قوت خود، باقی ماند. در چنین وضعیتی شیعیان و علمای ایشان، برای ترویج مبانی عقیدتی خویش به تقیه متوسل شدند. خلفای عباسی در پی انتصاب وزیران شیعی و برگزاری مجالس مناظره‌ی دینی و حضور شیعیان در این مجالس، ناخواسته زمینه‌ی گسترش تشیع را فراهم ساختند. در دوران حکومت‌های مستقل و نیمه مستقل در ایران به علت دریافت منشور و کسب مشروعیت از خلافت عباسی، سیاست مذهبی ایشان در قبال شیعیان، تابعی از سیاست خلیفه‌ی عباسی بود. تشکیل حکومت شیعه مذهب آل‌بویه و تسلط این خاندان بر خلافت عباسی، زمینه‌ی مناسبی برای ترویج مراسم و تدوین کتب فقهی توسط علمای شیعه را فراهم ساخت. شیعیان در این دوره به تعلیم افراد مستعد در مناصب دیوانی پرداختند که در ادوار بعدی از ایشان بهره‌وری سیاسی را بردند. شکوفایی تشیع در عصر آل‌بویه با تسلط طوایف ترک نژاد سلجوقی، خدشه‌دار گردید. سلجوقیان به عنوان سلاطین سنی مذهب متعصب، شرایط آسیب‌پذیری را برای شیعیان رقم زدند. از جمله فعالیت‌های ضد شیعی سلاطین سلجوقی، تعطیلی مدارس شیعه، عدم استفاده از علمای تشیع در کادر حکومتی و تأسیس مدارس نظامیه برای تقویت مذهب سنت، بود. شیعیان با حضور در منصب وزارت تحت پوشش تقیه، کماکان به گسترش مبانی عقیدتی خویش پرداختند. اوضاع نامساعد شیعیان هنگام ایلغار مغول که تحت حاکمیت خوارزمشاهیان قرار داشتند، پا برجا ماند. حمله‌ی مغول و تأسیس حکومت ایلخانی از مهمترین ادوار تاریخی برای شیعیان امامیه محسوب می‌گردد؛ چرا که آن‌ها توانستند با بهره‌گیری از تساهل مذهبی مغولان، مذهب خویش را ترویج و گسترش دهند. از آنجایی که هر رویدادی در بستر برخی زمینه‌ها شکل می‌گیرد، این پژوهش درصدد است که عوامل مؤثر در گسترش تشیع امامیه را در ایران از ایلغار مغول تا تأسیس حکومت ایلخانی را مورد بررسی قرار دهد.

۳-۱- سؤالات تحقیق:

۱-۳-۱- سؤال اصلی

عوامل مؤثر در گسترش تشیع امامیه در ایران از ایلغار مغول تا تأسیس حکومت ایلخانی چه بوده است؟

۱-۳-۲- سؤالات فرعی

۱- تأثیر خلافت عباسی در گسترش تشیع امامیه چگونه بوده است؟

۲- علما و شخصیت‌های برجسته‌ی شیعه، چه نقشی در گسترش تشیع امامیه داشتند؟

۴-۱- فرضیات تحقیق:

۱-۴-۱- فرضیه‌ی اصلی

تسامح و تساهل مذهبی مغولان، فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی علمای تشیع، حمایت خوارزمشاه و خلفای عباسی از شیعیان، اوضاع نابسامان سیاسی در هنگام ایلغار مغول، زمینه‌های گسترش تشیع را فراهم نمودند.

۱-۴-۲- فرضیه‌های فرعی

۱- خلفای عباسی با انتصاب وزیران شیعی مذهب و گرایش به جریان فتوت جهت تقویت پایگاه اجتماعی خویش، به گسترش تشیع کمک نمودند.

۲- علمای تشیع با تدوین کتب فقهی و عقیدتی خویش، صدور فتوای سیاسی، همراهی با هیأت حاکمه در جهت گسترش تشیع گام برداشتند.

۵-۱- پیشینه‌ی تحقیق:

اگرچه در برخی نوشته‌ها که اوضاع شیعیان را در دو سده‌ی ششم و هفتم هجری، تحت پوشش قرار داده‌اند، اطلاعاتی در باب ایشان از ایلغار مغول تا تأسیس حکومت ایلخانی ذکر گردیده؛ اما هر کدام از این نوشته‌ها تنها به یک رویکرد مشخص در باب گسترش تشیع پرداخته‌اند. از جمله‌ی این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره

کرد: «زمینه‌ها و عوامل حضور شیعیان در ساختار خلافت عباسی از ۶۵۶-۵۷۵ ه.ق» نوشته‌ی محسن الویری و رضیه‌السادات موحد ابطحی، به نقش خلیفه‌ی عباسی الناصرالدین‌الله که در جهت تجدید اقتدار سیاسی و به تبع منازعات با خوارزمشاهیان به جامعه‌ی تشیع گرایش یافته، اشاره نموده که از اهمیت فراوانی برخوردار است. اما این مقاله تنها به حضور شیعیان در دربار خلافت عباسی پرداخته و از حمایت الناصرالدین‌الله نسبت به تبیین جنبش اجتماعی فتوت که وجوه اشتراکی با تشیع داشته و به ترویج تشیع در نزد عوام جامعه یاری رسانده، نپرداخته است. در مقاله‌ای دیگر با عنوان «خواجه نصیرالدین طوسی و نقش او در گسترش تشیع و حفظ آثار اسلامی» نوشته‌ی سید حسن امین، به‌رغم آن که به نقش خواجه نصیرالدین طوسی در گسترش تشیع اشاره نموده، اما خود را در چارچوبی سیاسی محدود کرده است. این مقاله تنها به این نقش عالم برجسته‌ی شیعه در بُعد سیاسی که همراهی با هولاکو در تصرف بغداد و احداث رصدخانه می‌باشد، پرداخته و اقدامات طوسی را در بُعد فرهنگی که با تدوین کتب متعدد، در توسعه و ترویج تشیع نقش قابل توجهی داشته، نپرداخته است. مقاله‌ی دیگر با عنوان «تشیع در آذربایجان در دوره‌ی ایلخانان غیرمسلمان ۶۹۴-۶۵۶ ه.ق» نوشته‌ی مهدی عبادی نیز مطالب ارزشمندی درباره‌ی تشیع در آذربایجان ارائه داده است. وی به تأثیرات سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی در منطقه‌ی مورد نظر پرداخته و به گونه‌ای گذرا به تساهل مذهبی مغولان اشاره نموده است. با این وجود مقاله‌ی مذکور تنها به یک منطقه محدود گردیده و به فعالیت شیعیان در سطح اجتماع نپرداخته است.

پروین ترکمنی آذر نیز در کتاب «تاریخ سیاسی شیعیان اثنی‌عشری در ایران» که به طور کلی اوضاع شیعیان را از ورود مسلمانان به ایران تا تشکیل حکومت صفویه را در بر گرفته، به ایلغار مغول و تأسیس حکومت ایلخانی نیز پرداخته است. اما کتاب مذکور با جهت‌گیری مذهبی و به طور کلی به این فواصل زمانی، اشاره نموده است. ترکمنی آذر، خواجه نصیرالدین طوسی را بازوی اندیشه و محرک پیشروی هولاکو خان به بغداد برمی‌شمرد؛ که در واقع چنین نگرشی صحیح به نظر نمی‌رسد. از این رو به طور مستقل پژوهشی خاص درباره‌ی تشیع امامیه از سقوط خوارزمشاهیان تا تأسیس حکومت ایلخانی که به طور عمده تمامی زوایای عواملی که منجر به گسترش تشیع شده را در بر بگیرد، انجام نشده است؛ از این رو پژوهش حاضر می‌تواند این خلاء را برطرف کرده و علاوه بر ذکر عوامل گسترش دهنده‌ی تشیع، به تبیین نقش عالمان شیعه در دو بُعد سیاسی و فرهنگی به طور توأمان و خلافت عباسی بپردازد.

۱-۶- ضرورت‌ها و اهداف تحقیق:

در سده‌ی هفتم هجری ایران با ایلغار مغولان روبه‌رو گردید. بر اثر حمله‌ی چنگیز خان به ایران، سیاست، اقتصاد و فرهنگ آن با صدمات سختی مواجه شد. اما در چنین روزگاری ایلغار مغول در بُعد مذهبی برای شیعیان امامیه آثار مثبتی برجای گذاشت؛ که در پی برخی علل، زمینه‌ی این امر به وقوع پیوست. لذا پرداختن به عوامل مؤثری که چنین مسیری را برای شیعیان رقم زده از اهمیت فراوانی برخوردار است. از این رو اهداف عمده‌ی تحقیق به این شرح می‌باشد:

۱- بررسی عوامل مؤثر در گسترش تشیع امامیه در ایران از ایلغار مغول تا تأسیس حکومت ایلخانی

۲- بررسی و تبیین نقش خلافت عباسی

۳- بررسی و تبیین نقش علما و شخصیت‌های برجسته‌ی شیعه

۱-۲- روش تحقیق:

این پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی است که با توجه به ماهیت موضوع، پژوهشی توصیفی - تحلیلی محسوب می‌گردد. شیوه‌ی گردآوری اطلاعات عمدتاً کتابخانه‌ای بوده و در برخی موارد از سایت‌های اینترنتی نیز استفاده شده است. به این ترتیب با گردآوری اطلاعات از منابع اصلی و دست دوم تاریخی، ضمن تجزیه و تحلیل این اطلاعات براساس پرسش‌های مطرح شده، موضوع پژوهش سازماندهی می‌گردد.

۱-۸- نقد و بررسی منابع:

۱- تاریخ فخری:

محمدبن علی بن طباطبا معروف به ابن طقطقی در سال ۵۶۶۰ق در موصل به دنیا آمد. وی از سادات حسنی بوده و مدتی نقابت علویان در حله، نجف و کربلا را برعهده داشته است. ابن طقطقی در سال ۵۷۰۱ق کتابی در تاریخ خلفا و وزرای آن‌ها به اسم «منیه الفضلاء فی تواریخ الخلفاء و الوزراء» که به تاریخ فخری معروف شده، او این اثر

را به نام فخرالدین بن عیسی بن ابراهیم حاکم موصل، تألیف نمود. این کتاب به گونه‌ای مختصر و با ترتیب زمانی، وقایع عصر خلفای راشدین تا سقوط خلافت عباسی را در بر می‌گیرد. ابن طقطقی در تألیف کتابش در صدد است که وقایع مدنظر را با حفظ انصاف در نقل آن‌ها، با ساده‌ترین بیان عرضه نماید. به این ترتیب اهمیت و اعتبار کتاب تاریخ فخری، رعایت اصل بی طرفی آن است. وی کتاب را در دو فصل ترسیم نموده که در فصل نخست آن، پیرامون آداب سیاست ملکداری مطالبی را ذکر نموده است. این کتاب به دلیل ایجاز و اختصار آن، ابن طقطقی را به گزینش وقایع مربوط به وزراء می‌کشاند؛ چرا که مطالبی در کتاب شرح داده می‌شود که از منظر مؤلف اهمیت داشته است. علاوه بر آن از ذکر دلایل مربوط به عزل و نصب وزراء، سخنی به میان نمی‌آورد. اهمیت کتاب در باره‌ی این موضوع، به مطالب ارزشمندی است که، درباره‌ی چهار خلیفه‌ی اواخر عصر عباسی و وزرای شیعه مذهب ایشان و روابط میان آن‌ها ارائه می‌دهد.

۲- الحوادث الجامعه:

کتاب الحوادث الجامعه که نام کامل آن «الحوادث الجامعه و التجارب النافعه الواقعه فی المائه السابعه» است، اثر کمال‌الدین عبدالرزاق بن احمد ملقب به ابن فوطی می‌باشد. وی در سال ۶۴۲ه.ق به دنیا آمد. اصل و تبار ابن فوطی از مرو خراسان، ولی خودش در بغداد سکونت داشته است. «مجمع الآداب المترتب علی معجم الأسماء فی معجم الألقاب»، «ذُرر الأصداف فی غرر الاوصاف» از دیگر تألیفات ارزشمند ابن فوطی به شمار می‌آیند. وی به مانند غالب کتب تاریخی، رویدادها را به ترتیب زمانی ذکر نموده ولی متأسفانه وقایع از ابتدای سده‌ی هفتم تا اواسط سال ۶۲۶ه.ق مفقود گردیده است. به این ترتیب کتاب مذکور وقایع را از سال ۶۲۶ تا ۷۰۰ هجری در بر می‌گیرد. وی به دلیل آن که در کتابخانه‌ی مستنصریه و سپس مراغه حضور و با خواجه نصیرالدین طوسی حشر و نشر داشته از آشنایی کاملی نسبت به اوضاع مربوط به زمان خویش برخوردار است. کتاب الحوادث الجامعه را به هیچ وجه نمی‌توان به محدوده‌ی تاریخ محدود کنیم؛ چرا که بسیاری از مسائل اجتماعی را در خویش گنجانیده است. این کتاب به دلیل بُعد اجتماعی‌اش، وقایع طبیعی نظیر سیل، زلزله، آتش‌سوزی‌ها را نیز از نظر دور نداشته است. اهمیت این اثر درباره‌ی منازعات مذهبی میان محلات بغداد به‌ویژه محله‌ی شیعه نشین کرخ، کیفیت عزل و نصب وزرای شیعه در دربار خلافت، توجهات خلفای عباسی به مقابر متبرکه‌ی شیعه، ارسال لباس فتوت به حکمرانان اسلامی از جانب خلافت و مناصب متعددی که شیعیان امامیه در دربار خلافت و حکومت ایلخانی داشته‌اند، در این نوشته مورد توجه است.

۳- کشف المحجّه:

کتاب «کشف المحجّه لثمره المهجّه» تألیف سید بن طاووس از علمای برجسته‌ی سده‌ی هفتم هجری است. وی در سال ۵۸۹ق در حله متولد و در سال ۶۶۴ه.ق در همین شهر درگذشت. وی کتاب مذکور را که در وصیت به فرزندش نوشته شده را در قالب بخش‌های متعددی تنظیم نموده است. از دیگر تألیفات این عالم شیعی می‌توان به «الطرائف»، «المهمات والتّمات» و «الاصطفا والبشارات» اشاره نمود. در این کتاب مناظراتی که ابن طاووس با عالمان مدرسه‌ی مستنصریه، شیعیان زیدی و دیگر فرق مذهبی صورت داده است، بیان می‌شود. علاوه بر این در لابه لای نصایح وی به فرزندش، می‌توان شمه‌ای از عقاید و اندیشه‌های این عالم شیعی را مشاهده نمود که برای بررسی و تحلیل چگونگی تطور عقاید شیعیان در دوره‌ی مورد نظر حائز اهمیت بسیار است.

۴ - تبصره العوام فی معرفه مقالات الأنام:

این کتاب از جمله کتب فارسی در فنّ ملل و نحل می‌باشد که قبل از استیلای مغول بر جای مانده است. به‌رغم اهمیت کتاب مذکور، از مؤلف و تاریخ تألیف آن اطلاعات شناخته شده‌ای در دست نیست. اما طبق مشهورترین روایت، آن را به سید مرتضی بن داعی حسنی از علمای امامیه و تاریخ تألیفش را پس از سال ۵۸۰ه.ق نسبت می‌دهند. کتاب مذکور در ۲۶ باب ترسیم گردیده است. حسنی‌رازی در نقل عقاید دیگر ملل غیر از شیعیان امامیه، از دو کتاب «الفرق بین الفرق» بغدادی و «الملل و النحل» شهرستانی بهره گرفته است. به‌رغم آن که مؤلف مذکور در نقل عقاید ملل دیگر نتوانسته از تعصبات خویش بکاهد، در نتیجه این امر اثر وی را با نقص همراه ساخته است؛ اما از آنجایی که عقاید شیعیان امامیه توسط عالمی شیعی مطرح می‌گردد از اهمیت بی‌شماری برخوردار است. حسنی‌رازی باب نوزدهم کتابش را به فرق شیعی اختصاص داده و از فرق بازمانده در سده‌ی ششم به ویژه شیعیان امامیه نامبرده و با ذکر احادیثی از پیامبر (ص)، فرقه‌ی امامیه را حق می‌شمرد. وی باب بیست و یکم کتاب را به عقاید شیعیان امامیه در اصول دین اختصاص داده که در این بین می‌توان به عقاید ایشان در باب امامت و نحوه‌ی انتخاب امام از دیدگاه فرق متعدد مذهبی اشاره کرد.

۵ - النقص:

کتاب النقص معروف به «بعض مثالب النواصب»، از تصانیف حدود ۵۶۰ هجری است. مؤلف این کتاب عبدالجلیل قزوینی از عالمان شیعه مذهب در ری است. بیش از این در باب زندگی مؤلف اطلاعاتی در دست نیست. این کتاب از جمله کتب کلامی به زبان فارسی محسوب می‌گردد که موضوع اصلی آن، ردّی بر کتاب

«بعض فضایح الروافض» اثر عالمی سنی است، که در آن به ردّ مذهب تشیع پرداخته بود. از آنجایی که مؤلف در ری سکونت داشته، می‌توان اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی مدارس، مساجد و نحوه‌ی برگزاری مناظرات و مناسک مذهبی از جمله عاشورا، در این شهر و شهرهای شیعه نشین اطراف آن یافت. علاوه بر آن می‌توان از نحوه‌ی اجرای مراسم منقبت خوانی که شیوه‌ی تبلیغی شیعیان امامیه در سطح جامعه بوده است، اطلاعات ارزنده- ای کسب نمود. همچنین برای بررسی و ردیابی پراکندگی جغرافیایی شیعیان در ایران، در اواخر قرن ششم هجری داده‌های ارزشمندی دارد.

۶- الکامل فی التاریخ:

این اثر تألیف عزالدین علی بن اثیر می‌باشد که در سال ۵۵۵ هجری به دنیا آمد. وی در موصل، شام و بغداد به تحصیل دانش پرداخته و کتابش را نیز در موصل تألیف نمود. از ابن اثیر تألیفات دیگری نظیر کتاب «اللباب» و «اسدالغابه فی معرفه احوال صحابه» نیز باقی است. اما بزرگترین و معروفترین تألیفات وی همان کتاب «الکامل فی التاریخ» می‌باشد. این کتاب تاریخ عمومی است که از خلقت آدم تا سال ۶۲۸ ه.ق یعنی دو سال قبل از وفات مؤلف، را در بر می‌گیرد. ابن اثیر چون همزمان با استیلای مغولان بوده، می‌توان گفت از لحاظ زمانی نخستین مورخی است که وقایع عصر مغول را نسبتاً به تفصیل آورده است. به همین جهت از منابع مهم تاریخ مغول شمرده می‌شود. کتاب مذکور آشفته‌گی سیاسی ایران را در هنگام ایلغار مغول که متأثر از اختلاف خوارزمشاهیان با خلافت عباسی بوده و منازعات مذهبی شیعیان و اهل سنت در ناحیه‌ی عراق عجم و بغداد را به خوبی ترسیم کرده است.

۷- تاریخ جهانگشا:

علاءالدین عطاملک بن بهاءالدین محمد جوینی از خاندان بزرگ جوینی بود، که در سال ۶۲۳ ه.ق در جوین متولد شد. وی از همان اوان جوانی در کارهای دیوانی داخل شده و از سال ۶۵۴-۶۴۱ ه.ق دبیر خاص امیر ارغون حاکم مغول در شهرهای ایران بود. جوینی به هنگام آمدن هولاکو به جانب ایران از طرف وی و آباقا به عنوان حکمران عراق عرب تعیین گردید. وی علاوه بر «تاریخ جهانگشا»، «رساله‌ی تسلیه الاخوان» که شرح زندگی خود اوست را تألیف نموده است. وقایع تاریخی جهانگشا به سال ۶۵۵ هجری خاتمه می‌یابد. بخش بزرگی از این کتاب در تاریخ چنگیز و جانشینان اوست، اما تاریخ خوارزمشاهیان و اسماعیلیان را نیز در بر دارد. تاریخ جهانگشا مشتمل بر سه جلد است: جلد نخست شامل تاریخ چنگیزخان و فتوحات وی و سلطنت او کنای قآن و گیوک خان، جلد دوم تاریخ خوارزمشاهیان و ملوک قراختایی و سرگذشت حکام مغول چون جنتیمور، نوسال،

گرگوز و امیرارغون جلد سوم شامل تاریخ منگوقاآن و حمله‌ی هولاکو به ایران و سرکوب اسماعیلیان می‌باشد؛ البته در برخی از نسخه‌ها فتح بغداد و سقوط خلافت عباسی که توسط خواجه نصیرالدین طوسی نوشته شده در ذیل تاریخ جهانگشا ذکر می‌گردد. این بخش نیز اطلاعات ارزشمندی در باب برخورد مغولان با شیعیان امامیه ارائه می‌دهد. جوینی به دلیل حضور در دیوان مغولان اطلاعات مهمی در باب احوال ایشان دریافته است. به این ترتیب از لابه‌لای نوشته‌های جوینی روحیات و آداب مغولان و تساهل و تسامح مذهبی آنها را می‌توان مشاهده نمود.

فصل دوم

پراکندگی جغرافیایی تشیع

شیعه در لغت به معنای پیرو و در اصطلاح به کسانی که به جانشینی علی(ع) بعد از پیامبر(ص) معتقدند، اطلاق می‌گردد.^۱ به طور یقین هسته‌ی اولیه‌ی تشیع در مدینه بود و نخستین شیعیان از میان اصحاب پیامبر(ص) در همین شهر می‌زیستند. با رحلت پیامبر(ص) جمعی از صحابه ابوبکر را به عنوان خلیفه برگزیدند. در این میان گروهی از جمله علی(ع) با چنین انتخابی مخالفت نمودند. این امر موجب تقابل پیروان علی(ع) با خلافت گردید. اگرچه در ابتدا اختلاف با مسائل سیاسی آغاز شد، اما به مرور مباحث فرهنگی و دینی نیز به این قلمرو افزوده گردید. در عصر خلفای نخستین، اگرچه تشیع زمامداری جامعه‌ی اسلامی را از دست داد اما اوضاع تقریباً مساعدی را پشت سر می‌گذاشتند؛ چرا که تعدادی از بزرگان شیعه با موافقت علی(ع) مناصب نظامی و سیاسی را پذیرفتند.

در قرون نخستین هجری، دو شهر کوفه و بصره به عنوان پایگاه نظامی مسلمانان در جهت ادامه‌ی فتوحات در نظر گرفته شد. به این ترتیب قبایل متعدد عرب با گرایش‌های خاص خویش از این نواحی راهی ایران گردیدند. با خلافت علی(ع) و انتقال حکومت به شهر کوفه، تشیع در این شهر انسجام خویش را به دست آورد؛ به گونه‌ای که مدت‌ها این شهر یکی از نواحی شیعه مذهب محسوب می‌گردید.^۲ در پی انتقال خلافت اسلامی به امویان، شیعیان در بدترین وضع ممکن قرار گرفتند، که با برپایی واقعه‌ی کربلا این وضعیت به اوج خود رسید. تا زمان شهادت حسین بن علی(ع) هیچ انشعابی در جامعه‌ی شیعی دیده نشد. پس از شهادت حسین بن علی(ع) قیام‌هایی با ماهیت شیعی در کوفه و عراق صورت پذیرفت. در برابر این جریان‌ها، جریانی وجود داشت که در تمامی مسائل پیش آمده به پیروی کامل از امامان خویش روی آوردند. این گروه برای حفظ حیات تشیع و به دلیل رعب و وحشت حاکمه، از مبارزه و فعالیت‌های اجتماعی فاصله گرفتند. در این برهه‌ی زمانی بر اثر فشارهایی که از ناحیه‌ی امویان بر شیعیان وارد می‌گردید، آن‌ها به مناطق گوناگون سرزمین‌های اسلامی مهاجرت کرده و زمینه‌ی گسترش تشیع را فراهم نمودند. به این ترتیب عده‌ای از خاندان اشعری که از شیعیان کوفه محسوب می‌گردیدند به منطقه‌ی قم آمده و بانی گسترش تشیع در این ناحیه شدند.^۳

در سال ۱۰۰ هجری، دعوت عباسیان آغاز گردید. این امر زمینه برای گسترش تشیع در سرزمین‌های پهناور اسلامی را فراهم نمود. اختلافات داخلی و قیام عباسیان، از فشار امویان کاسته و در نتیجه شیعیان را از تقيّه خارج ساخت. در این برهه‌ی زمانی امامان شیعه در مدینه مبنای فقهی و کلامی تشیع را پایه‌گذاری نموده بودند. جریان اعتدالی شیعه با شورش زید بن علی(ع) به دو شعبه تقسیم گردید. وی قیامش را در کوفه سازماندهی نمود که با سرکوب از ناحیه‌ی امویان رو به رو شد. در پی سرکوب قیام زید، فرزندش یحیی نیز قیام خویش را در خراسان

^۱ - محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۵، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۹۵۷.

^۲ - رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، تهران: علم، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴.

^۳ - همان منبع، ص ۱۸۴.